

رفتارشناسی آمریکا در قبال رژیم پهلوی و انقلاب اسلامی

یدالله سپهری*

چکیده

آمریکا پس از پایان جنگ جهانی دوم به مداخله در مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران پرداخته است. یافته‌ها تحقیق نشان می‌دهد دولت آمریکا به جهت تبدیل شدن به یک هژمون برتر و ایران به دلیل موقعیت استراتژیک، منابع نفتی، بازار مصرف و همچنین کانون جریان انقلاب اسلامی در خاورمیانه، مورد توجه قرار گرفته‌اند. در دوران پهلوی، آمریکا با نفوذ در نخبگان سیاسی و ترویج فرهنگ آمریکایی و اعطای کمک‌های نظامی و اقتصادی، شرایط نفوذ و استثمار را بوجود آورد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکاییان برای سقوط انقلاب اسلامی و بازگشت به شرایط ماقبل، از سه رویکرد تهدید سخت، نیمه سخت و نرم استفاده نمودند. نوشتار حاضر به بررسی و تحلیل رفتارشناسی دولت آمریکا در دوران پهلوی و انقلاب اسلامی بر اساس نظریه‌های هژمونیک می‌پردازد.

واژگان کلیدی

رژیم پهلوی، انقلاب اسلامی، رفتار شناسی آمریکا، هژمونیک.

*. استادیار و استاد معارف اسلامی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی، گرگان.

yaddollah_sepohri@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۹

طرح مسئله

دولت‌های استعماری و امپریالیستی زمانی به ایران توجه نمودند که به مدد انقلاب صنعتی به تحولات وسیعی در امور سیاسی، فرهنگی و به‌ویژه اقتصادی دست یافته بودند و به دلیل شرایط به وجود آمده در پی انقلاب صنعتی، به دنبال بازارهای جدید برای فروش کالا و تأمین منابع مورد نیاز خود به این کشور توجه نمودند.

ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود و به‌ویژه برخورداری از منابع سرشار اولیه مورد نیاز صنایع کشورهای سلطه‌گر، مورد توجه و رقابت قرار گرفت. این امر موجب سلطه و مداخله مستقیم کشورهای استعماری در سرزمین‌های دیگر مخصوصاً ایران شد و منجر به رشد افکار ناسیونالیستی و استقلال‌طلبانه در کشورهای آسیایی و آفریقایی گردید، آغاز سلطه آمریکا در جهان مقارن با رشد این‌گونه افکار و اندیشه‌ها بود. این قدرت‌ها برای ادامه نفوذ خود در سایر مناطق، شیوه‌های «استعمار نو» و بعدها «فرانو» را در پیش گرفتند که از حضور و مداخله مستقیم جلوگیری می‌کرد، اما شبکه‌های نفوذی در حوزه جغرافیایی کشور مورد نظر، از نیروهای داخلی تشکیل دادند تا منافع قدرت‌های امپریالیستی لطمه نبیند. این مقاله با استفاده از چارچوب نظری هژمونیسیم، که شکل نسبتاً جامع و گویای واقعیت‌های سیاست خارجی و استراتژی آمریکا در عرصه بین‌الملل است، ماهیت واقعی این دولت امپریالیستی را نشان می‌دهد. هژمونیسیم در تلاش است تا قدرت یک کشور در عرصه بین‌الملل را در حوزه‌های منطقه‌ای و جهانی حفظ و تقویت کند و جهت‌گیری‌های مختلفی را پیش روی دولت‌های قدرتمند یا در حال تبدیل به یک قدرت جهانی و منطقه‌ای قرار داده است، تا موقعیت و توان خود را در مبادلات جهانی توسعه دهد. چون آمریکا در عرصه روابط سیاسی، فرهنگی و به خصوص اقتصادی خواهان برتری و سلطه بر جهان است، از نظریه پردازان این اندیشه سود برده است. طبق این نظریه، قدرت هژمون برای تبدیل شدن به یک هژمونی باید به تقویت سه موقعیت هژمونی بپردازد. در این تحقیق به تبیین این سه موقعیت در رفتار دولت ایالات متحده در قبال حکومت پهلوی ایران پرداخته می‌شود:

۱. تقویت موقعیت هژمونی اقتصادی در عرصه بین‌الملل

۲. تقویت موقعیت هژمونی امنیتی - نظامی در عرصه بین‌الملل

۳. تقویت موقعیت هژمونی سیاسی - ایدئولوژیک در عرصه بین‌الملل

نظریه پردازان هژمونیسیم از مکاتب مختلف مارکسیستی، رئالیستی و لیبرالیستی هستند و به دلیل ماهیت لیبرال حکومت آمریکا، از نظرات رابرت کوهن، استفاده می‌کنیم. وی تقویت موقعیت هژمونی اقتصادی را برتر از دو موقعیت دیگر می‌داند و آن را برای دستیابی به منافع قدرت هژمون در عرصه

سیاست معرفی می‌کند و توان اقتصادی را مهم‌ترین عامل سلطه بر جهان می‌داند. (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۳۱)

نظریه پردازان دیگر نیز به این امر اشاره کرده‌اند و با اینکه برای دو موقعیت دیگر اهمیت بیشتری قائل شده‌اند، اما عدم تقویت موقعیت هژمونی اقتصادی را موجب محدودیت گسترش هژمونی معرفی کرده‌اند. حال با ارائه مختصری از دیدگاه «رابرت کوهن» به بررسی رفتار ایالات متحده در ایران می‌پردازیم.

به گفته وی برتری یک قدرت هژمون تا حد زیادی بستگی به توان اقتصادی آن دارد. به همین دلیل برخورداری از چند قابلیت را لازمه قدرت هژمون می‌داند:

(الف) هژمون باید بر مواد خام استراتژیک مثل نفت کنترل داشته باشد.

(ب) به منابع عمده سرمایه دسترسی و احاطه داشته باشد.

(ج) در تنظیم عملکرد بازارها فعال باشد و برای احاطه بر بازارها، دارای بازار بزرگی برای واردات باشد.

(د) در تولید کالاها و خدمات دارای ارزش و اعتبار بالا و مزیت رقابتی داشته باشد. (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۳۱)

و سایر موقعیت‌های هژمونی مانند: هژمونی امنیتی - نظامی و هژمونی سیاسی - ایدئولوژیک را برای رسیدن به مقاصد و منافع اقتصادی در عرصه روابط بین‌الملل به حساب می‌آورد.

بر این اساس به بررسی رفتار و عملکرد این دولت در قبال رژیم پهلوی و نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

پیشینه تحقیق

درباره موضوع این پژوهش تاکنون چندان مقالاتی نوشته نشده است و تنها می‌توان به «رفتارشناسی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران» نوشته محمدباقر خرمشاد اشاره کرد. که در آن تنها به بررسی نوع عملکرد آمریکا در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر در سال ۱۳۵۷، نسبت به حرکت انقلابی مردم ایران پرداخته است و نظر موافقان و مخالفان حمایت یا عدم حمایت از شاه ایران را مطرح نموده است.

در این مقاله با جزئیات بیشتری به رفتارشناسی آمریکا در دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود تا رفتار متمایز این دولت را برای تسلط خویش در هر دو دوره بررسی نماید بدین‌منظور محقق با در نظر گرفتن چارچوب نظری هژمون‌سیسم سعی داشته به بررسی شیوه‌های نفوذ این کشور در ایران پس از جنگ جهانی دوم و نحوه تسلطش در ایران بپردازد و با بررسی رفتار این دولت با نظام جمهوری اسلامی نشان دهد که آمریکا در دوره پهلوی دوم با به کارگیری استعمار نو درصدد نفوذ در ایران بوده و با برپایی شبکه‌های نفوذی سعی در تسلط بر ایران داشته است.

با پیروزی انقلاب اسلامی شیوه رفتار آمریکا نسبت به ایران تغییر نمود و این دولت برای سقوط حاکمیت

نظام اسلامی - که آن را سدی در راه رسیدن به قدرت هژمونی خود می‌دانست - تمامی راه‌های استعمار را برای نابودیش در پیش گرفت و آن را در سه جهت اصلی تهدیدهای سخت، نیمه سخت و نرم به کار گرفت. در این مقاله علاوه بر بررسی این راهبردهای آمریکا راهکارهای مقابله با این تهدیدها را نیز که به رهبری امام خمینی و امام خامنه‌ای انجام شده بررسی کرده است و در پایان پیشنهادهایی برای مقابله با این تهدیدات ارائه شده است.

زمینه‌ها و علل توجه آمریکا به ایران

رابطه ایران و آمریکا از سال ۱۸۲۹ آغاز شد و از این زمان به بعد مناسبت بین دو کشور از طریق مبلغین مذهبی پروتستان که به ایران آمدند شروع گردید. (فاتح، ۱۳۵۸: ۴۹۱)

در سال ۱۹۱۱ هیئت مالی آمریکایی به ریاست مورگان شوستر به ایران آمد. شوستر، نظارت بر کلیه مسائل مالی مانند تجدید سازمان مذکور و تعویض کارکنان امور گمرکی و مالیاتی را به عهده گرفت، ولی به دلایلی از جمله عدم رفع مشکلات مالی و فشار قدرت‌های دیگر، در همان سال از ایران اخراج شد.

آمریکا به خوبی دریافته بود برای تبدیل شدن به قدرت هژمون، نیازمند مداخله در کشورهای دیگر است، تا از منابع عظیم آنان استفاده نماید و جلوی هر ایدئولوژی یا جنبشی را که مانع رسیدن به قدرت او باشد، بگیرد. در این زمان، دولت ایران تصمیم گرفت که برای پیشرفت و توسعه ارتش شاهنشاهی مستشاران آمریکایی استخدام کند. بنابراین در هر یک از نیروهای زمینی، هوایی و دریایی ایران، یک ژنرال و در ژاندارمری یک سرهنگ و تعدادی افسر و درجه‌دار آمریکایی در مسائل تخصصی و فنی مربوط به اسلحه و وسایل خریداری شده از آمریکا همکاری می‌کردند. (قره‌باغی، ۱۳۶۴: ۲۶۲)

با توجه به سیاست آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، موفق شدند، موقعیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود را در ایران به مرور تحکیم بخشند و این امر مقدمات تفکر هژمون برتر در منطقه را در ذهن آمریکایی‌ها شکل داد.

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت آمریکا برای رقابت با روس و انگلیس زمینه نفوذ خود را کاملاً به دست آورد.

پس از کودتا رژیم پهلوی به‌طور کامل در اختیار سیاست‌های آمریکا قرار گرفت و از آنجایی که نفت ایران برای صنایع غرب و آمریکا جذابیتی ویژه داشت، بزرگترین قراردادهای نظامی و تجاری بین آمریکا و ایران بسته شد.

آمریکا با در نظر گرفتن دلایل زیر به ایران توجه نمود:

۱. بازار مصرف

هنگامی ایران مورد توجه دولت‌های استعماری و امپریالیستی قرار گرفت، که تحولات وسیع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با شروع انقلاب صنعتی آشکار شد. دولت‌های استعمارگر برای پیدا کردن بازارهای جدید خارجی، به دلیل افزایش تولید رو به بالا و کافی نبودن بازارهای داخلی برای به دست آوردن سود بیشتر، بازار دغدغه عمده به‌شمار می‌رفت. (مگداف، ۱۳۸۲: ۱۶) از این‌رو ایران به‌عنوان یکی از بازارهای مصرف کشورهای استعماری مورد توجه قرار گرفت و از اوایل قاجاریه تا پایان حکومت پهلوی به‌عنوان بازاری برای فروش کالاهای اروپایی و آمریکایی مورد توجه قرار گرفت.

آمریکا به مدد جنگ جهانی دوم به ثروتی شگفت دست یافته بود، این کشور با پایان یافتن جنگ ۵۰ درصد تولیدات صنعتی جهان را دارا بود. (الهی، ۱۳۸۳: ۵۴) از این‌رو دستیابی به بازاری بزرگ برای واردات مورد توجه آمریکا قرار گرفت.

۲. موقعیت استراتژیک ایران

ایران به دلیل موقعیت استراتژیک و قرارگرفتن بر سر راه تجارتهای شرق و غرب و دسترسی آسان به آب‌های گرم برای رسیدن به موقعیت تجاری با هند و دسترسی آسان‌تر به منابع نفت‌خیز جهان به‌ویژه عراق و عربستان (ازغندی، ۱۳۹۴: ۶۳) منجر شده بود که ایران «دروازه خاورمیانه» لقب گیرد (الهی، ۱۳۶۵: ۹۴) و دولت‌های امپریالیستی را به رقابت با یکدیگر برای دستیابی به این سرزمین وادارد که در نهایت منجر به شکل‌گیری تحولات عمیقی در ایران گردید.

۳. منابع نفتی

نفت در قرن بیستم، در به‌کار انداختن ماشین مورد استفاده قرار گرفت و به یک عنصر مهم و اساسی در اقتصاد جهان تبدیل شد.

با آغاز جنگ جهانی دوم، نفت کاربرد زیادی در نیروهای موتوریزه زمینی، هواپیماهای جنگی و شکاری، زیردریایی‌ها و کشتی‌های جنگی و تجاری، پیدا کرد و پیروزی در آن بستگی کامل به وجود نفت و مشتقات حاصل از آن داشت. در میانه جنگ رئیس کمیسیون دفاع ملی آمریکا به مجلس سنا اعلام کرد که شرکت‌های آمریکایی باید به سراغ نفت خاورمیانه بروند. (تهوری، ۱۳۸۶: ۳۳) با شناخت این موضوع متفکین و متحدین، هر کدام کوشش فراوانی برای به تصرف درآوردن هر چه بیشتر منابع نفتی نمودند. آمریکا با اشغال ایران توسط قوای روس و انگلیس، وارد ایران گردید. این مسئله که ابتدا به صورت یک فرصت جنگی مورد قبول واقع شده بود، به‌زودی شک و بدبینی انگلستان و شوروی را از

آمریکایی‌ها برای تصرف منابع نفتی ایران برانگیخت. و خیلی سریع در ایران تبدیل به جنگ قدرت برای بدست آوردن امتیاز نفت در ایران تبلور یافت. (همان، ۱۳۶۵: ۲۰۹)

۴. منطقه خلیج فارس

وجود منابع نفتی فراوان در خلیج فارس، به اعتبار این منطقه پر اهمیت افزوده است. به طوری که محور ارتباط بین اروپا، آسیا و آفریقا است و از نظر استراتژیکی در منطقه خاورمیانه، مهم‌ترین مرکز ارتباطی میان سه قاره است و بخشی از یک سیستم ارتباطی است که دریای مدیترانه، سرخ و اقیانوس‌های هند، کبیر و اطلس را پیوند می‌دهد. این موقعیت جغرافیایی منجر شده بود که خلیج فارس، از ابتدا مورد توجه تجار و بازرگانان قرار بگیرد. (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۲۰) به دلیل چنین موقعیت تجاری در این منطقه بود که نخستین آمریکایی‌ای که وارد ایران شده بود برای گسترش تجارت آمریکا در آسیا به این منطقه سفر کرده بود. (موجانی، ۱۳۸۴: ۳) اینها نشان دهنده اهمیت ژئوپلیتیک این منطقه در طول تاریخ آن می‌باشد و به عنوان مکانی برای ترانزیت کالاهای شرق و غرب شناخته شد. وجود تنگه استراتژیک هرمز را می‌توان یکی از دلایل عمده توجه دیگر دولت‌ها بر این منطقه دانست، زیرا این تنگه در مسیر انتقال محصولات تجاری غرب به ویژه نفت قرار دارد و قطع عبور نفت از آن در آن دوران که استعمارگران بقای قدرت خویش را منوط به آن می‌دانستند، با بحران سختی روبرو می‌کرد. (همان، ۱۳۷۸: ۴۳۰ - ۴۲۹)

کنترل خلیج فارس به وسیله یک دولت خارجی با نیروی دریایی قابل توجه و کشتی‌های جنگی که دارای بندر نظامی باشد، باعث تسلط بر تمام راه‌هایی که به خاور دور، هندوستان و استرالیا منتهی می‌شود، خواهد شد. (همان، ۱۳۷۸: ۴۱۷)

علاوه بر موقعیت تجاری آن، ذخایر نفتی خلیج فارس نیز بر اهمیت این منطقه افزوده بود. (حافظنیا، ۱۳۷۸: ۹۳)

این مطالب موضع آمریکائیان را نشان می‌دهد که حتی پس از پایان حکومت پهلوی برای دستیابی به این منطقه جنگ‌های زیادی به نام «جنگ‌های خلیج فارس اول و دوم» ایجاد کرده‌اند.

۵. مبارزه با اسلام‌گرایی در خاورمیانه

آمریکا به خوبی دریافته بود برای سلطه بر خاورمیانه و جهان و همچنین تبدیل شدن به یک قدرت هژمون باید موانع موجود را از میان بردارد. و مهم‌ترین مانع آنان نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی به رهبری علمای اسلام بود. بنابراین از زمان حکومت پهلوی، با اجرایی کردن برنامه‌هایی برای از میان بردن روحیه اسلامی مبارزه، سعی در به انزوا کشیدن این دین تسلیم‌ناپذیر کردند. و برنامه‌های

ضد اسلامی خود را در ایران با روی کار آوردن عوامل دست نشانده خویش در پیش گرفتند، با شکل‌گیری مبارزات انقلابی ایران به رهبری امام خمینی، تهاجمات ضد اسلامی آنان نیز بیشتر گردید و با ارباب و وحشت، در صدد سرکوب نهضت اسلامی برآمدند.

رفتارشناسی آمریکا در قبال حکومت پهلوی

با پایان گرفتن جنگ دوم جهانی و شکل گرفتن جنبش‌های ناسیونالیستی و استقلال‌طلبانه، دولت‌های امپریالیستی شیوه استعمار قدیم را که بر پایه جنگ سخت و تهاجمات نظامی بود، به کناری نهاده و شیوه استعمار نو را در پیش گرفتند تا بدین صورت بتوانند به نفوذ و گسترش خود در کشورهای تحت سلطه خویش، ادامه دهند. حضور آمریکا در ایران بعد از پایان جنگ جهانی دوم و ضرورت خروج نیروهای متفقین از ایران شکل گرفت. اتحاد جماهیر شوروی نه تنها به خروج نیروهایش از ایران امتناع می‌نمود، بلکه حکومت‌های دست‌نشانده را در آذربایجان و کردستان بوجود آورد. در این زمان نماینده آمریکا در سازمان ملل به شوروی اولتیماتوم داد که اگر روس‌ها رأس تاریخ معینی نیروهایشان را از ایران خارج نکنند کار به جنگ سوم جهانی کشیده خواهد شد. نگرانی شوروی از برخورد نظامی با آمریکا سرانجام آنها را به خروج از ایران واداشت.

محمد رضا پهلوی، آمریکایی‌ها را ناجی آذربایجان می‌دانست و به همین دلیل دربار پهلوی به قدرت قوی‌تر، آمریکا، روی آورد و همچنان روابط حسنه‌اش را با انگلیس نیز حفظ کرد. (رجوع کنید به: فردوست، ۱۳۷۱)

در آن زمان برای اداره امور کشور و پرداخت حقوق مستخدمین نیاز مبرمی به پول و سرمایه بود و چون دولت از عهده پرداخت این مبالغ بر نمی‌آمد دست به دامان آمریکائی‌ها شد و دولت وقت آمریکا شرایط اعطای وام را فراهم نمودند و این سرآغاز ورود مستشاران مالی، نظامی، دارایی و اقتصادی، پزشکی و کشاورزی در ایران شد.

در سیاست خارجی، دولت آمریکا با مظلوم نشان دادن ایران در برابر شوروی و تقویت ارتش ایران به‌واسطه مستشاران خود، زمینه کامل خروج شوروی از ایران را فراهم نمود ولی در روابط خود با کشور انگلیس بر سر ایران، سازش را برگزید و سعی نمود با توجه به نفوذ دولت انگلیس و محبوبیت خود در دربار پهلوی زمینه چپاول را مهیا سازند.

دولت آمریکا با طرح کودتاهای کوچک و بزرگ شرایط انتخاب نخست وزیری و کابینه دولت را در هر زمان که می‌خواستند فراهم می‌کردند.

ایالات متحده نیز که به یک کشور قدرتمند در عرصه روابط بین‌الملل تبدیل می‌شد شیوه‌هایی را برای نفوذ در ایران در پیش گرفت، که در ذیل به آن اشاره شده است.

شیوه‌های نفوذ در ایران

۱. ترویج فرهنگ و نوع نگاه آمریکایی

ایالات متحده در قرن نوزدهم به این نتیجه رسید که برای آنکه بتواند به قدرتی هژمون در منطقه و جهان تبدیل شود، باید از فعالیت‌های سیاسی - ایدئولوژیک برای پشتوانه سیاسی یا ایجاد نوعی مشروعیت برای نفوذ خویش در آینده بهره برد. بدین منظور ابتدا افرادی را در سال ۱۸۲۹ م / ۱۲۴۳ ق به ایران، برای شناسایی مناطقی در جهت ترویج دین مسیحیت، روانه کرد. این گروه پس از آن که مأموریت‌شان را به اتمام می‌رسانند به کشور خود بازمی‌گردند و جمعیت مبشرین پروتستانی آمریکا، هیأتی را به ریاست کشیش «پرکینز» روانه ایران می‌کند. (بیل، ۱۳۷۱: ۲۱؛ موجانی، ۱۳۸۴: ۳۴) از آنجایی که این هیئت مذهبی به منظور ترویج مسیحیت، وارد این کشور شده بود، به تبلیغات دامنه‌دار خویش علیه اسلام و مردم مسلمان پرداخت. بدین منظور این گروه مذهبی دست به انتشار روزنامه‌ای به نام «پرتوهای نور» زد و به تبلیغ مسیحیت و تخریب اسلام پرداختند. (حسینیان، ۱۳۸۷: ۸۴؛ موجانی، ۱۳۸۴: ۳۵) هدف این گروه تنها ترویج مسیحیت نبود، بلکه هدف اصلی آنان، تغییر نوع نگاه بومی و ملی به نوع نگاه آمریکایی به مسائل و شرایط جهان بود. در این رابطه «رابرت شولزینگر» می‌گوید:

نزدیک به هفت هزار نفر آمریکایی سرگرم آموزش کتاب مقدس (در اوایل قرن بیستم) در متجاوز از سی کشور، در گوشه و کنار جهان بودند، درحالی که به طور اتفاقی درباره مزایای جمهوری خواهی آمریکائیان موعظه می‌کردند. (شولزینگر، ۱۳۷۹: ۴۹)

آمریکائیان برای مبارزه با اسلام که ولایت کافر بر مسلمان را نمی‌پسندید دست به اقدامات دیگری نیز زدند که خواهان محو اسلام راستین و جایگزینی اسلامی منفعل و گوشه‌گیر بودند، از این رو تبلیغات می‌کردند که اسلام به دلیل پاک‌اش نباید با سیاست که چیزی کثیف است مخلوط شود و روحانیت باید به همان درس و بحث خویش بپردازند. تا آنان از این طریق بتوانند به گسترش فساد در جامعه دست زنند. (منصوری، ۱۳۷۵: ۲۴۱) اقدامات ضد اسلامی آمریکائیان تا پایان دوره پهلوی نیز ادامه داشت.

۲. نفوذ در نخبگان سیاسی کشور و تربیت افرادی برای گرفتن پست‌های حساس در آینده

آمریکا می‌خواست از طریق آموزش و پرورش بتواند نسلی را تربیت نماید که مجریان سیاست‌های آمریکا

در ایران باشند. بدین منظور افرادی را به ایران گسیل کرد تا در فکر نوجوانان و جوانان ایرانی رسوخ و نفوذ بیشتری داشته باشند. این گروه به تأسیس مدارس در تبریز (مدرسه پرسیتتری) و تهران پرداختند. فردی به نام «ساموئل جردن» نخستین دبیرستان آمریکایی در تهران را تأسیس نمود و فعالیت گسترده‌ای را برای تنظیم اصول آموزشی ایران بر اساس الگوی آمریکایی نمود. که به محلی برای آموزش افرادی تبدیل شد که براساس سنت دیوان سالاری عصر قاجار عموماً موقعیت اجتماعی و اداری پدران خود را اشغال می‌نمودند و این چنین در شکل دهی حیات نوین یک ملت اثر گذاشتند. (موجانی، ۱۳۸۴: ۳۸ - ۳۷؛ رستمی، ۱۳۷۸: ۳۰ / ۱) این شیوه برای نفوذ تا پایان دوره پهلوی ادامه داشت. افراد زیادی در ایران مجری سیاست‌های آمریکایی شدند از میان این افراد می‌توان به علی امینی، نخست وزیر سابق ایران در دوره پهلوی دوم و مجری اصلاحات ارضی آمریکایی در ایران، اشاره کرد. وی که تحصیل کرده آمریکا بود پس از ورودش به ایران به‌عنوان یکی از فعالین سیاسی علیه حکومت شاه به‌شمار رفت که از سیاست‌های نظامی پهلوی دوم انتقاد می‌کرد اما بعداً در سال ۱۳۴۰ ش با روی کار آمدن جان اف. کندی، رئیس جمهور سابق آمریکا، و به پیشنهاد وی به نخست وزیری رسید. (بداقتی، ۱۳۸۷: ۱۴۱) تا بتواند اصلاحات مورد نظر آمریکائیان، برای تشدید نفوذ در ایران را اجرایی کند، با وجود اینکه شاه با نخست وزیر وی مخالف بود اما چون دوام و ثبات خویش را در آن شرایط حساس که اوضاع جهان به‌ویژه در کوبا و ویتنام شمالی و عراق و ترکیه، نابسامان شده بود (الهی، ۱۳۸۳: ۵۶) و اوضاع اقتصادی نیز به هم ریخته بود، تن در می‌دهد. آمریکائیان با به کارگیری چنین روشی می‌خواستند هر گونه اعتراضی را علیه دولت‌شان خاموش نمایند و به کمک عوامل دست‌نشانده خویش بدون هیچ رقیبی در روابط بین‌الملل به صورت شتابان وارد عرصه سیاست ایران شوند. (مدنی، ۱۳۸۷: ۵۸۵ / ۱) و از این پس در تاریخ سیاسی ایران افرادی به نخست وزیری می‌رسیدند که مجریان سیاست‌های آمریکایی بودند. نمونه دیگر آن، روی کار آمدن اسدالله علم بود. وی بدین منظور «لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی» را به منظور تصویب به مجلس شورای ملی ارائه نمود.

در این لایحه سه شرط اساسی آن تغییر پیدا کرده بود: الف) سوگند به کتاب آسمانی به جای قسم به کتاب قرآن ب) حذف شرط مسلمان بودن نمایندگان ج) حق رأی به زنان. او می‌خواست به حضور عناصر غیر مسلمان به‌ویژه بهائیت که عامل و دست‌نشانده استعمار بودند، مشروعیت بخشد، زیرا این گروه نقش موثری در تثبیت حکومت سلطنتی و رژیم شاه داشتند و به گفته شاه چون علیه وی و سلطنتش اقدامی نمی‌کردند مورد اعتماد هستند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴: ۱۵؛ اسناد ساواک و آمریکا، ۱۳۸۶: ۱۵) و آمریکا نیز آنان را به خاطر مبارزه با جریان اسلام و

اسلام‌گرایان و همچنین وجود مهره‌های مطیع در آنان، حمایت می‌کرد. اما با دوراندیشی‌های امام خمینی این توطئه کشف و با تظاهرات و راهپیمایی‌های مردم مسلمان ایران، خنثی گردید. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۹۲ - ۹۱؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۲۲ - ۵۲۱؛ منصوری، ۱۳۷۵: ۱۵۱)

یکی دیگر از چهره‌های شاخص این جریان حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت ایران و عامل اجرایی شدن کاپیتولاسیون به منظور نفوذ و گسترش نظامیان آمریکایی در کشور بود. پس از آن می‌توان به امیرعباس هویدا اشاره نمود که در طول دوره سیزده سال نخست وزیری‌اش به فرمان آمریکائیان شاه را به اوج قدرت استبدادی‌اش رساند. در همین دوره به دستور آمریکا در دوران لیندون جانسون و جرال د فورڈ - روسای جمهور سابق آمریکا - روابط گسترده‌ای را با اسرائیل به انجام رساند و نفوذ آنان را در حوزه اقتصادی ایران گسترش داد به گونه‌ای که طرح‌های اسرائیلی برای کشاورزی ایران در دوران وی به حالت اجرایی رسید. و هم چنین یکی از مأموریت‌های وی در ایران این بود که برای تولیدات آمریکایی در ایران، بازار مصرف ایجاد کند. (اختریان، ۱۳۸۱: ۱۶۳؛ میلانی، ۱۳۸۰: ۶۵؛ صادقی، ۱۳۹۲: ۱۶۴؛ چمن‌خواه، ۱۳۹۱: ۲۷۴)

این شیوه نفوذ تا کنون نیز ادامه دارد و ایالات متحده آمریکا به دلیل اینکه در میان مردم جهان مشروعیت خویش را از دست داده است تمام تلاش خویش را به کار می‌گیرد تا در میان نخبگان سیاسی یک جامعه نفوذ نماید و از هر راهی برای باقی ماندن خویش استفاده می‌نماید که می‌توان نفوذ در میان نخبگان سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس و عربی را نمونه بارز این نفوذ به‌شمار آورد که با نفوذ در میان آنان به راحتی از منابع عظیم نفتی‌شان بهره می‌برد.

۳. از بین بردن اقتصاد سنتی کشور: با آغاز دهه ۱۹۶۰ م / ۱۳۴۰ ش، و افزایش بیش از حد تولید، سرمایه‌داران آمریکایی را به این فکر واداشت تا به گسترش بازارهای خویش بپردازند، و از طرفی برای رونق بازارهایشان تعداد مصرف‌کنندگان را افزایش دهند و امکان خرید نیز برای جامعه مصرفی خویش ایجاد نمایند. از این رو باید در کشورهای تحت سلطه لزوماً تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایجاد نمایند تا در فضای باز سیاسی کشور، که منجر به حضور اقتصادی افراد در جامعه نیز می‌شود، به این اقدام خویش جامه عمل بپوشانند. (منصوری، ۱۳۷۵: ۱۴۳ - ۱۴۲) و برای رسیدن به چنین تحولی نیاز داشت تا اقتصاد داخلی را دگرگون سازد و با ایجاد سیستمی در جهت وابستگی بیشتر، اقتصاد کشور «حاشیه» را با اقتصاد کشور «متروپل» - در اینجا منظور آمریکا - یکی نمایند. (مگداف، ۱۳۸۲: ۱۳۴) و بدین منظور اصلاحات ارضی در ایران اجرا شد و موجب کاهش تولید گوشت و فرآورده‌های شیر در دهه ۴۰ گردید و نرخ رشد کشاورزی ایران تا دهه ۵۰ به ۲ یا ۲ / ۵ درصد رسید که موجب نارضایتی پنهان

دهقانان در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ گردید که به معنای شکست نهایی رژیم در پیشبرد هدف‌های سیاسی و ایجاد طبقه وسیعی از وفاداران به نظام شاهنشاهی در روستاها بود. (فوران، ۱۳۷۸: ۴۸۲ و ۴۷۸) لازم به ذکر است که ایران تا اوایل دهه ۴۰ یکی از صادرکنندگان محصولات کشاورزی به کشورهای دیگر بود اما با اجرایی شدن این اصلاحات، ایران تا اواخر حکومت پهلوی از واردکنندگان مواد غذایی از آمریکا گردید که این میزان تا سال ۱۳۵۷ ش به حدود ۵۰ درصد واردات مواد غذایی رسید. (منصوری، ۱۳۷۵: ۱۴۳) و ایران یکی از کشورهای واردکننده مواد غذایی و ابزارآلات صنعتی برای صنایع مونتاژ گردید.

۴. اعطای کمک‌های نظامی و اقتصادی

از تکنیک‌های تازه کنترل، پس از پایان جنگ جهانی دوم در مقابل جنبش‌های ناسیونالیستی برای خروج استعمارگران استفاده گسترده از وام و اعتبار برای کمک‌های نظامی و اقتصادی بود. زیرا کمک‌های نظامی می‌توانست حضور نیروهای استعماری را افزایش دهد که موجب تقویت حفظ وضع موجود در دولت‌های استثمارشده می‌شد و به‌عنوان ماشین سرکوب برای شورش‌های داخلی عمل می‌کرد.

برای مثال سرکوب شورش ظفار را می‌توان نام برد. همچنین تقویت ساواک و نیروی پلیسی در کشور را در جهت سرکوب شورش‌های داخلی می‌توان نام برد. نیروی ساواک که به منظور تثبیت قدرت شاه و حضور آمریکائیان در ایران با کمک آمریکا و اسرائیل در ایران تأسیس شده بود به‌عنوان چشم و گوش شاه عمل می‌کرد و هر گونه صدای اعتراضی را در نطفه خفه می‌نمود. (حسینیان، ۱۳۸۷: ۱۰۳؛ اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶: ۶۹)

دریافت و خرید این‌گونه کمک‌های نظامی از آمریکا تا پایان حکومت پهلوی ادامه داشت و نیمی از بودجه کشور صرف خرید تسلیحات از آمریکا و دیگر کشورهای اروپایی می‌گردید به‌طوری‌که بودجه نظامی کشور از سال ۱۳۳۲ ش تا ۱۳۴۲ ش از ۸۰ میلیون دلار به تقریباً ۱۸۳ میلیون دلار افزایش پیدا کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۵۱۶) و این روند تا پایان حکومت وی ادامه داشت. علاوه بر کمک‌های نظامی، کمک‌های اقتصادی را نیز می‌توان نام برد.

ایالات متحده می‌بایست از یک انقلاب اجتماعی کمونیستی جلوگیری می‌کرد تا آن انقلاب منجر به مصادره سرمایه‌های خارجی یا محدودیت فرصت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری و دسترسی به مواد خام، نشود. (مگداف، ۱۳۸۲: ۸۶ - ۸۵) بدین منظور با تأسیس سازمان اصل چهار در ایران موافقت کرد و کمک‌های مالی و فنی به کشورهای جهان سوم به منظور جلوگیری از نفوذ کمونیسم و شوروی می‌فرستاد. تنها مسئله مهم برای آمریکا منابع سرشار ایران و بازار مصرف این کشور بود زیرا موقعیت ویژه‌ای را

برای کالاهای آمریکایی در ایران فراهم کرده است و از طریق توانسته بود با دستیابی به ایران، به نفت مناسب و ارزان قیمت نیز دست پیدا کند. و به همین دلیل بود که شبکه‌هایی از دست‌پروردگان خویش مانند بهائیان و عده‌ای از تحصیل‌کردگان در آمریکا را تربیت کرده بود تا به‌عنوان عوامل آمریکا در ایران انجام وظیفه نمایند و با وابسته کردن شاه به خود توانسته بود به منافع خویش در ایران دست پیدا کند. تنها مسئله‌ای که برای آمریکا مهم تلقی می‌نمود از میان رفتن نفوذش بود، به همین دلیل در برابر هر نوع جنبش مردمی در ایران ایستادگی نمود و تمام توان خود را برای نابودی آن به کار گرفت. که می‌توان به شکست نهضت ملی ایران در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اشاره نمود.

علاوه بر آن با شکل‌گیری حرکت اسلامی مردم ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، این دولت از حرکت سازش ناپذیر امام خمینی علیه‌السلام، در مبارزه با رژیم پهلوی و آمریکا، احساس نگرانی نمود و با اعطای کمک‌های نظامی به شاه و قدرتمندی هر چه بیشتر قوای نظامی و انتظامی و همچنین ساواک به مبارزه با مردم مسلمان ایران پرداخت تا بتواند جلوی این حرکت اسلامی را بگیرد اما پس از آنکه آمریکا در برنامه‌های خویش در نابودی حرکت انقلابی مردم ناکام ماند از حمایت متحد و دست‌نشانده خویش سرباز زد و در کنفرانسی به نام «گوادلوپ» طرح کناره‌گیری شاه را مطرح نمود و بختیار را جانشین وی انتخاب نمود و با اعزام ژنرال «هایزر» به ایران، حمایت خود را از حکومت بختیار اعلام نمود و ارتش را به حمایت از آن فرا خواند. (منصوری، ۱۳۷۵: ۳۳۶)

رفتارشناسی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران

همان‌گونه که یاد شد ایالات متحده برای آنکه ایران را به‌عنوان یک بازار مصرف مناسب محصولات آمریکایی و همچنین پلی برای تجارت با شرق و غرب و دسترسی آسان‌تر به منابع عظیم نفتی و نفت ارزان قیمت از دست ندهد در برابر هر حرکت انقلابی از خود عکس‌العمل نشان داده و بیشتر به تطمیع شاه ایران می‌پرداخت و از همان ابتدا در برابر امام خمینی علیه‌السلام موضع صریح و شدیدی را اتخاذ نمود که می‌توان به زندانی شدن و تبعید ایشان از کشور و کشتار مردم اشاره کرد و با نیروی سازمان یافته‌شده به نام «ساواک» هر نوع حرکتی را در نطفه خفه می‌نمود و با گم‌کردن افرادی غیر مسلمان مانند بهائیان در رأس این سازمان هر گونه حرکتی را زیر نظر می‌گرفت. (شوکران، ۱۳۷۱: ۲۵۱)

با شکست سیاست‌های رفتاری آمریکا، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با به خطر افتادن منافع آن در ایران و خاورمیانه و تجدید حیات اسلام مبارز و تأثیر و نفوذ در نهضت‌های آزادی‌بخش، به‌ویژه لبنان و فلسطین و یمن و ضدیت با نظام سلطه به رهبری ایالات متحده و به رسمیت نشناختن رژیم

صهیونیستی و حمایت قاطعانه از مردم فلسطین در دستیابی به حقوق از دست رفته‌شان، می‌رفت به‌عنوان یک رقیب جدی و بحران‌ساز در مقابل دولت آمریکا قرار گیرد. (محمدی، ۱۳۹۴: ۲۲ - ۲۱؛ طباطبایی فر، ۱۳۹۴: ۱۱) و از طرفی دیگر دور شدن ایران از حوزه نفوذ آمریکا و از دست دادن منابع عظیم نفتی و منطقه خلیج فارس و از میان رفتن سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران این کشور در ایران، منجر به موضع‌گیری این دولت در قبال انقلاب اسلامی گردید. بدین منظور از همان ابتدا در جریان حرکت انقلابی مردم موضع آمریکائیان آشکار گردید. زیرا در کنفرانس گوادلوپ یکی از تصمیم‌های اتخاذ شده که مقابله با انقلاب را آشکار می‌کرد ترور افراد موثر و ذی‌نفوذ در انقلاب اسلامی بود. (منصوری، ۱۳۷۵: ۳۳۶)

رفتار آمریکائیان در قبال انقلاب اسلامی در سه مرحله صورت گرفت که در هر مرحله واکنشی متفاوت را در برداشت.

این مراحل به ترتیب «بعد از انقلاب اسلامی و قبل از جنگ تحمیلی، در زمان جنگ تحمیلی و بعد از جنگ تحمیلی» می‌باشد.

از مهم‌ترین علل دشمنی آمریکا با ایران را می‌توان وقوع انقلاب اسلامی و تسخیر لانه جاسوسی دانست. با وقوع انقلاب اسلامی، آمریکا از دستگاه‌های سیاسی، امنیتی، حقوقی و اقتصادی غرب و به خصوص رژیم صهیونیستی علیه انقلاب اسلامی استفاده نمود و سفارتخانه آمریکا در تهران به ستاد ایجاد هماهنگی میان نیروهای مخالف انقلاب مبدل گردید. اولین تحرکات خرابکارانه در ایران بصورت جنبش‌های تجزیه‌طلبانه کردستان، گنبد و ترکمن صحرا و خوزستان شکل گرفت. (واعظی، ۱۳۸۱: ۹۰)

دانشجویان پیرو خط امام در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷ در ادامه تظاهرات خود، سفارت آمریکا را اشغال نمودند و مهم‌ترین رویداد انقلاب اسلامی با گروگان گرفتن اعضای سفارت آمریکا شکل گرفت و تنش و اختلاف بین روابط ایران و آمریکا وارد مرحله جدیدی شد. (همان، ۹۶)

دولت آمریکا تصمیم گرفت تا از فشارهای اقتصادی برای به زانو درآوردن حکومت انقلابی ایران استفاده کند. این اقدام با دستور قطع خرید نفت از ایران شروع شد و در ادامه با دستور توقیف همه دارایی‌های دولتی ایران در بانکها، شعب خارجی و نمایندگی‌های آنها، ممنوعیت هرگونه صادرات به ایران و واردات از ایران، توقیف کلیه لوازم و تجهیزات نظامی که در زمان شاه پول آنها پرداخت شده بود و دعوت از متحدان اروپایی خود در تحریم اقتصادی ایران شکل جدیدی به خود گرفت. (غضنفری، ۱۳۸۰: ۱۶۶)

در کنار فشارهای اقتصادی دولت آمریکا و متحدانش، سعی نمود از توطئه و کودتا به‌عنوان اهرم تکمیلی جهت ضربه به نهال نوپای انقلاب اسلامی استفاده نماید. حمله نظامی طیس و کودتای نوژه از جمله مهم‌ترین توطئه‌ها تا قبل از جنگ تحمیلی به‌شمار می‌رود.

در اوایل دهه ۱۹۸۰ دولت آمریکا به دلیل عدم توان نظامی مناسب علیه ایران سعی نمود به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی از دیگران استفاده نماید و کشور عراق را در این امر زیر چتر حمایتی سیاسی، استراتژیکی و نظامی خود قرار داد و این سرآغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شد. در دوران جنگ تحمیلی آمریکا برای کاستن قدرت دفاعی و اقتصادی ایران دست به ترفندهایی زد. اعمال قانون تحریمی یک جانبه موسوم به «قطع جریان هرگونه کمک به عملیات» به منظور جلوگیری از دسترسی ایران به تسلیحات یا تجهیزات دارای استفاده دوگانه و کاهش صادرات نفت ایران به کشورهای دیگر و محدود کردن تجارت آنها با ایران از آن جمله می‌باشد. در این دوران آمریکا از هیچ ترفندی فروگذار نکرد، این دولت برای ناامن نشان دادن خطوط هوایی ایران ناجوانمردانه با شلیک ۲ فروند موشک توسط رزم ناو آمریکایی مستقر در خلیج فارس ۲۹۰ انسان بی‌گناه را شهید نمود. رفتار آمریکاییان در قبال انقلاب اسلامی ایران، در سه جهت اصلی به منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته شد: ۱. تهدید سخت ۲. تهدید نیمه سخت ۳. تهدید نرم.

راهبردهای آمریکا در مبارزه با انقلاب اسلامی ایران

۱. تهدید سخت

این برنامه که برای از میان بردن انقلاب اسلامی شکل گرفته بود، به صورت مستقیم با تهاجم نظامی به کشور انجام پذیرفت.

رویداد مهم دیگری که قبل از جنگ تحمیلی ایران رخ داد تسخیر سفارت آمریکا یا به تعبیر امام خمینی علیه السلام تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بود که در پی آن حدود ۶۵ نفر از پرسنل سفارت بازداشت شدند و ۵۲ نفر از آنان حدود ۴۴ روز گروگان گرفته شدند. در این میان آمریکاییان تصمیم گرفتند که در طی یک عملیات نظامی به تهران حمله کرده و گروگان‌ها را آزاد نموده و به بمباران محل سکونت امام بپردازند و کار انقلاب را یکسره نمایند، اما به لطف خدا این عملیات شکست خورد و موجب شادی ملت ایران گردید. (همان، ۱۳۹۴: ۱۹۷ - ۱۹۵)

۲. تهدید نیمه سخت

در این برنامه سعی شده است که به جای حضور مستقیم دولت‌های خارجی برای تضعیف و براندازی نظام از عوامل و موقعیت‌های داخلی استفاده شود. در این روش با استفاده از کودتا، شورش و ترورهای فراگیر و فلج کننده می‌توان به تضعیف قدرت رقیب پرداخت (نائینی، ۱۳۹۱: ۳۸۷ - ۳۸۰) بدین منظور

برای ضربه بیشتر به نظام یک سری از کانون‌های شورشی در نقاط مرزی ایران ایجاد گردید و داعیه خودمختاری و استقلال‌طلبی را پیشه کار خویش قرار دادند که می‌توان به شورش‌هایی در ترکمن صحرا، کردستان، بلوچستان، خوزستان و آذربایجان اشاره کرد که با توجه به اسناد به دست آمده، آمریکا به نمایندگی از غرب در به وجود آمدن و حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از این گروه‌ها، نقش به‌سزایی داشته است (صائمی، ۱۳۸۷: ۲۳۶) و به دنبال آن با حمایت از سازمان‌ها و احزاب و گروه‌های سیاسی به ترورهایی برای از میان برداشتن افراد موثر و غیر موثر در نظام بپردازد.

آمریکا به این موارد بسنده ننمود و با طرح‌ریزی کودتایی متشکل از افسران فراری و فریب‌خورده نیروی هوایی در همدان راه دیگری برای براندازی نظام تهیه دید. (تهامی، ۱۳۸۰: ۲۶۴) آنان قصد داشتند با تشکیل این کودتا محل سکونت امام و بسیاری از مراکز حساس و استراتژیک انقلاب مانند: دفتر نخست‌وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ستاد مرکزی کمیته‌های انقلاب اسلامی و پادگان‌های تهران و ... را بمباران کنند. محمدی، ۱۳۹۴، ۱۵۳ - ۱۵۲) تا حکومتی دست‌نشانده آمریکایی را بر سر کار آورند.

۳. تهدید نرم

پس از آن که قدرت استکباری آمریکا و حامیانش نتوانستند در دهه نخست انقلاب با به کارگیری روش‌های سخت و نیمه سخت نظام اسلامی ایران را از پای درآورند اتاق‌های فکر آمریکایی، توجه خود را در به کار بردن اقدامات روانی، معطوف کردند. زیرا دیگر به کارگیری تهدیدهای سخت و نیمه سخت برای آمریکا هزینه‌های گزافی را در پی داشت و دیگر بخشی از مردم اروپا و آمریکا به کارگیری این روش را برای ایران نمی‌پسندیدند و ایالات متحده آمریکا در پایان دهه اول انقلاب با تقویت نیروها و تسلیحات نظامی ایران، جنگ نظامی با ایران را موجب به خطر افتادن امنیت اسرائیل به‌عنوان یک متحد استراتژیک، در خطر می‌دید. (نائینی، ۱۳۹۱: ۳)

تهدید نرم مبتنی بر اقدامات غیر مستقیم یا غیر نظامی است که سطح هزینه‌های آنان را کاهش داده و بیشتر به صورت مبارزات فرهنگی به منظور تضعیف و فروپاشی انقلاب اسلامی از درون انجام می‌گیرد. در این روش به جای آنکه جامعه ایرانی را به اجبار به سوی تمایلات خویش رهسپار کنند آنان را به وسیله ترغیب و میل خودشان به سوی خواسته‌های خویش می‌کشانند. (قربان‌زاده سوار، ۱۳۹۱: ۱۶۲)

در این زمینه برای تضعیف ایدئولوژیک مردم و مسئولین نظام موسسات و اتاق‌های فکر بسیاری در آمریکا شکل گرفت این مؤسسات شامل: بروکینگز، آژانس آمریکایی برای توسعه بین‌الملل، خانه آزادی،

آلبرت انیشتین، اینترپرایس آمریکا، هادسن، ایالات متحده برای صلح، کارنگی و مرکز سابان، اشاره کرد. (رنجبران، ۱۳۸۸: ۱۸۶ - ۱۱۶) هر یک از این مؤسسات راهکارهای مختلفی ارائه داده‌اند. اکنون به بررسی تاکتیک‌های استکبار برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی می‌پردازیم:

جنگ نرم در بعد خارجی عبارت است از جنگ روانی و رسانه‌ای علیه نظام و سران آن، القای ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی در تمام حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی، ترویج فساد از طریق برنامه‌های ماهواره‌ای و معرفی ایران به‌عنوان محور شرارت، به دلیل حمایت از نیروهای حزب الله لبنان و مقاومت اسلامی فلسطین، توسط جرج بوش در سند امنیتی آمریکا در قرن ۲۱ م، تروریسم خواندن ایران، اسلام هراسی و ایران هراسی. (قربان زاده سوار، ۱۳۹۰: ۱۶۲؛ هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۶ - ۱۴۵) با نضج گرفتن جنبش‌های شیعی - اسلامی و جهانی شدن گفتمان تشیع با شاخصه‌های عدالت، سلطه‌ستیزی، معنویت، وحدت و عقلانیت و با مطرح شدن جغرافیای ژئوپلیتیکی شیعه که باعث به خطر افتادن حکومت‌های دست‌نشانده در کشورهای خاورمیانه می‌گردد. در تمام رسانه‌های دشمن، اسلام با محوریت تشیع را تنها نظام فرهنگی در مقابل مدرنیته معرفی کردند و با طرح «خاورمیانه جدید» که طرحی بود برای تجزیه ایران، خواستند از قدرت انقلابی آن بکاهند. (سراج، ۱۳۸۶: ۲۸۹ و ۲۸۷؛ محمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۲ - ۱۰۱؛ محمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۰ - ۱۲۹)

با از میان رفتن ارزش‌ها و با تغییر الگوی رفتاری در میان مردم، متناسب با الگوی رفتاری نظام سلطه، نظام، مقبولیت خود را از دست داده و امکان بروز آشوب و ناامنی و ایجاد بحران در جامعه افزایش می‌یابد. (محمدی، ۱۳۹۰: ۹۵ - ۹۴)

مسئله دیگر هدف قرار دادن ولایت فقیه به وسیله عوامل داخلی و خارجی می‌باشد. مقابله با اصل ولایت فقیه تاکنون جزء لایتغیر برنامه‌های بیگانگان بوده است، زیرا آنان به خوبی با مدیریت راهبردی امام خمینی و وجود وحدت بخش، امام خامنه‌ای پی برده بودند. پس تصمیم گرفتند ابتدا از نیروی کاریزماتیک چنین رهبرانی بکاهند و سپس نظام را به ورطه سقوط بکشانند.

اقداماتی نیز از سوی عوامل داخلی که در زمان دولت موقت در کابینه مهندس بازرگان بودند شکل گرفت که با قراردادن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی به‌عنوان یک امر قانونی مخالفت کرده بودند و در صدد بودند که این اصل را مساوی با دیکتاتوری قلمداد کنند. (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۶؛ الفت پور، ۱۳۹۵: ۱۶) و پس از فوت امام نیز جریان‌های مخالف ولایت فقیه شدت و گسترش پیدا کرد، به‌طوری‌که پس از پیروزی جریان اصلاحات در دوم خرداد ۱۳۷۶، تلاش وسیع رسانه‌های غربی آغاز شد و سعی کردند پیروزی رئیس‌جمهور وقت، سید محمد خاتمی را به معنای نفی رهبری و ولایت فقیه و تغییر نظام، تفسیر و تحلیل کنند.

این وضعیت در دوره انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و با شکل‌گیری فتنه ۱۳۸۸ با رهبری میر حسین موسوی و حمایت غرب و آمریکا تکرار و تقویت شد؛ زیرا اصلاح‌طلبان با زیر سؤال بردن اصل نظام با اتهام به تقلب برای روی کار آوردن احمدی‌نژاد، رهبری را مقصر اعلام کردند و با جعل نامه وزیر کشور به رهبری که در آن تعداد آرای واقعی و تقلبی کاندیداها اعلام شده بود، سعی کردند مردم را متقاعد کنند که تقلب با اطلاع رهبری و به دستور مستقیم ایشان صورت گرفته و در نتیجه مردم باید نوک پیکان اعتراضات خود را به سمت رهبری نشانه بگیرند. (محمدی، ۱۳۹۰: ۴۸۶ - ۴۸۴) البته راهبرد مدیریتی امام خامنه‌ای پس از ختم فتنه، به مانند بسیاری از دولت‌های منطقه، اعدام و سرکوب خشن شورشگران نبود، بلکه سران آشوب را در خانه‌های خودشان حصر نمود و آنان تاکنون به زندگی عادی خویش ادامه می‌دهند، و در طی یک سخنرانی آنان را عفو نمود و تعرض به جان و مال آنان را ممنوع ساخت.

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال تهدیدات سه‌گانه آمریکا

۱. جنگ تحمیلی

در طول جنگ تحمیلی نظام اسلامی با مدیریت راهبردی و هوشمندانه امام خمینی توانست به مبارزه خویش علیه استکبار ادامه دهد. در این راستا امام خمینی با ایراد سخنرانی و با بصیرت خویش، در زمانی که کشور هنوز دچار بحران بود، آرامش بخشید. همچنین با پیش کشیدن مسئله جهاد علیه کفر، شور و شوق و آفری در میان مردم مسلمان ایران ایجاد کرد که به دنبال آن روحیه شهادت‌طلبی و ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی در جوانان و نوجوانان و حتی سالخوردگان کشور ما نیز به وجود آمد. (محمدی، ۱۳۹۴: ۲۲۱ - ۲۲۰)

۲. تسخیر لانه جاسوسی

مدیریت راهبردی امام خمینی علیه السلام در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط مردم، مثال‌زدنی است. ایشان برای آنکه کسی شرایط را بحرانی‌تر نسازد و در مقابل این حرکت انقلابی، روحیه مردم را مأیوس نکند، بلافاصله پس از ختم واقعه، مهر تأیید بر آن می‌زنند و باعث می‌شود که سیاستمداران طرفدار روابط با آمریکا، در مقابل این جریان سکوت نمایند. (همان: ۲۱۱؛ امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰ / ۴۱۲)

۳. حمله نظامی طبس

امام در جریان شکست حمله نظامی آمریکا به طبس، بر نقش امدادهای غیبی و مساعدت‌های الهی تأکید نمودند و در سخنرانی‌ای عبارت معروف خویش را بیان نمودند و توفان شن را مأمور خدا دانستند:

کی این هلیکوپترهای آقای کارتر را که می‌خواستند به ایران بیایند ساقط کرد؟ ما ساقط کردیم؟ شن‌ها ساقط کردند. شن‌ها مأمور خدا بودند باد مأمور خداست ... (همان، ۱۳۷۸: ۲۵۶ / ۱۲)

۴. منازعات قومی

امام در برابر آشوب‌های قومیتی در نقاط مرزی کشور، سیاست برابری همه اقوام از نظر اسلام را مطرح و بیان نمودند که تفاوتی میان هیچ‌یک از اقوام گوناگون در اسلام و جمهوری اسلامی وجود ندارد و دولت موقت نیز در تدوین قانون اساسی بر این نکته تأکید نمود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۱۷ / ۹؛ نصر اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۵۱ - ۱۵۰)

۵. منافقین

امام در برابر ترورهایی که از سوی سازمان‌های منافقین انجام می‌پذیرفت مردم را به آرامش دعوت کرده و به تقویت روحیه شهادت‌طلبی در میان آحاد ملت ایران پرداختند و از همه مهم‌تر به سرعت افراد جایگزینی را به جای شهیدان نظام قرار دادند و انتخابات ریاست جمهوری را نیز برقرار نمودند. و مردم متوجه شدند که دولت و امام دچار یأس و عقب نشینی نشدند.

۶. کودتای نوژه

امام در این مورد به افشای توطئه بیگانگان پرداخته و از مردم ایران خواستند که در هر کجا که بوی توطئه را استشمام کردند به مراکز نظامی و انتظامی اطلاع دهند تا نقشه‌های عمال بیگانه، نقش بر آب شود و آنان به هدف خویش که براندازی نظام است، دست پیدا نکنند. ایشان همچنین در ارتش ایران، نهادهای عقیدتی - سیاسی را تشکیل داده تا بینش دینی و سیاسی کارکنان ارتش را ارتقاء دهند. (همان، ۱۳۹۴: ۱۸۰ - ۱۷۹)

با اعدام برخی از سران کودتا، خانواده‌های آنان دچار مشکل از لحاظ امنیتی و معیشتی شدند که امام به سرتیپ فکوری دستور می‌دهند تا لوازم یک زندگی آرام برای آنان به‌ویژه مسکن و پرداخت هزینه زندگی را، فراهم نماید. و این خود سندی دیگر است از رأفت و مهربانی امام با خانواده‌های کسانی که می‌خواستند امام و خانواده‌اش را به شهادت برسانند. (همان، ۱۳۹۴: ۱۸۳)

اکنون به راهبردهای جمهوری اسلامی برای مهار جنگ نرم می‌پردازیم.

راهبردهای جمهوری اسلامی برای مهار جنگ نرم

۱. راهکارهای فرهنگی

امام خامنه‌ای در سخنرانی‌های خویش بارها تأکید نموده‌اند که با توجه بیش از پیش به بخش فرهنگ و

فرهنگ‌سازی می‌توان خیلی از مشکلات کشور را حل کرد. زیرا ایشان طریق خنثی کردن جنگ روانی برای انحراف اذهان جامعه ایرانی را از این راه، مناسب می‌دانند و کار فرهنگی را مساوی با جهاد در راه حق می‌دانند که مسئولین آن‌گونه که شایسته است به ترویج ارزش‌های دینی و واقعیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس پردازند. و به مردم بقبولانند که جامعه ما دچار هجوم فرهنگی یا به تعبیر ایشان «تهاجم فرهنگی» شده است که در این زمینه ایشان، تقویت رسانه‌های ملی و فراملی را برای جهت‌دهی به افکار عمومی و مهندسی حائز اهمیت تلقی می‌کنند. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۰۸ - ۳۰۷)

در این باره می‌گویند: «اگر می‌توانستیم پیام‌هایی را که باید به ذهن مردم منتقل شود درست بشناسیم، بعد آنها را تولید کنیم و سپس با مدیریت صحیح، توزیع و پخش کنیم، آن وقت افکار عمومی در اختیار ما، یعنی در اختیار آن جمعی است که این کار بزرگ را انجام می‌دهند. آنچه که ما انتظار داریم این است.» (قدسی، ۱۳۹۰: ۷۸) همیشه سعی کرده‌اند با مؤلفه‌های ایدئولوژیکی اسلامی مردم را به وحدت فراخوانند و با ایجاد گفتمان‌هایی مانند: جمهوری اسلامی، اسلام ناب محمدی ﷺ، بسیج، گفتمان نه شرقی نه غربی و گفتمان خواص و عوام، ریزش و رویش، خودی و غیر خودی، اصولگرایی و اصولگرایی مصلحانه، مردم سالاری دینی، معنویت‌گرایی و همبستگی ملی، جامعه اسلامی را به سوی کمال مطلوب و کارآمدی حاکمیت دینی نظام جمهوری اسلامی، هدایت کنند. (فتحعلی زاده، ۱۳۹۰، ۵۵)

۲. صدور انقلاب

پس از آنکه قدرت‌های استکباری در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند، صدور انقلاب اسلامی به خاورمیانه و جهان آغاز گردید. این عمل در واقع می‌خواست با برقراری الگوی اسلامی ایران در مناطق شیعی و غیر شیعی و آموزش و آگاه‌سازی آنان به ایجاد پایگاهی در سراسر نقاط جهان به گونه‌ای به تقابل با نظام استکباری غرب پردازد. که البته در این زمینه نیز به موفقیت‌هایی نیز دست پیدا کرده است. (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۳ - ۷۲) دلیل ما بر این ادعا نضج گرفتن جنبش‌های شیعی در سال ۲۰۱۱ م در بحرین، الجزایر، یمن و عربستان می‌باشد که بر اساس شاخص‌های اندازه‌گیری میزان نفوذ ایران، ترکیه و عربستان در منطقه، براساس نظریه ژوزف نای به ترتیب، ۵۴، ۴۹ و ۳۷ می‌باشد (هرسیج، ۱۳۹۱: ۱۱۱) به همین دلیل امروزه بسیاری از شیعیان مورد تجاوز از سوی حکومت وقت و آمریکا و هم‌پیمانان‌شان قرار گرفته‌اند که می‌توان به بمباران‌های عربستان بر سر مردم بی‌دفاع یمن و شیعیان عربستان، اشاره کرد.

۳. پرورش نخبگان متعهد

بالا رفتن آگاهی سیاسی جامعه و افزایش حس مسئولیت و مشارکت مردم و به‌ویژه جوانان در انتخابات،

ضرورت توجه به نخبه‌پروری سیاسی را نمایان می‌سازد. که این مشخصه‌هایی مانند توجه به زمان و فرصت‌های موجود و تعهد به قانون و حساس بودن نسبت به آینده خود و جامعه را به همراه دارد. و از همه مهم‌تر توجه به خدا، ساده زیستی، قاطعیت در برابر دشمن، دفاع از هویت اسلامی و بومی و تکلیف‌گرایی نیز باید در این امر مدنظر قرار گیرد. به همین دلیل توجهات ویژه‌ای از سوی امام خامنه‌ای به دانشگاه‌ها و گروه‌ها و تشکلات سیاسی شده است که آنان بالقوه مدیریت این نظام را بر عهده دارند. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۱۷) ایشان همیشه مسئولان را از نفوذ دشمن در میان خویش بر حذر داشته و عدول از تفکرات انقلابی و آرمان‌های انقلاب را، از تهدیدات دشمن به‌شمار آورده‌اند امروزه نیز می‌توان به سند «۲۰۳۰» اشاره کرد که دولت آمریکا خواست آن را به نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل نماید، تا جامعه اسلامی ایران نیز به سمت ارزش‌ها و باورهای غربی حرکت نماید اما با روشنگری‌های امام خامنه‌ای جلوی اجرایی شدن این سند تا حدودی گرفته شده است. ایشان خاطر نشان کردند که این سند استقلال کشور ما را زیر سوال برده است.

نتیجه

استکبار در ایران دوران پهلوی و انقلاب اسلامی با در نظر گرفتن منافع خویش، وارد این سرزمین شدند و به روش‌های مختلف سعی کردند ایران را به بازار پر رونقی برای خود بدل کنند. اینها به تربیت گروه‌ها و افراد مختلف پرداختند که هر کدام با راه یافتن به مناصب قدرت خواسته‌های آنان را برآورند اما با شکل‌گیری حرکت مردم علیه نظام استبداد شاهنشاهی با وجود حمایت صریح و آشکار آمریکا از شاه انقلاب به پیروزی رسید و پس از آن آمریکا به مقابله با انقلاب پرداخت و تلاش خود را با همکاری هم‌پیمانانش در منطقه و جهان برای از میان بردن نظام اسلامی ایران در زمینه‌های جنگ سخت، نیمه سخت و نرم، به کار گرفت. جامعه اسلامی اگر توانسته است در برابر این تهدیدات مقاومت کرده و به راه خویش ادامه دهد، به دلایل زیر بوده است که اگر آن را سرلوحه کار خویش قرار دهد به پیروزی نهایی، برای از میان بردن استکبار خواهد رسید:

۱. ایمان و باور قلبی به خدا و یاری گرفتن از او در تمام مراحل زندگی، به‌ویژه در مقابله با دشمن، و باور به این مسائل قرآنی که در آخر آنچه که در جهان مستقر خواهد شد حکومت مستضعفین فی‌الأرض به امامت و رهبری صاحب‌الزمان علیه السلام است.

۲. وحدت و یکپارچگی ملت مسلمان ایران در برابر توطئه‌های تفرقه‌افکنانه دشمنان.

۳. اتکا به مرجعیت واحد به رهبری امام خامنه‌ای و گوش سپردن به منویات ایشان در قبال

مبارزه و مقاومت با استکبار جهانی. زیرا تاریخ انقلاب از آغاز تاکنون ثابت کرده است که اگر نیروی کاریزماتیک ایشان و امام خمینی نبود، مردم به مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی ترغیب نمی‌شدند. مسئولین نظام هم باید به مانند مردم، سخنان ایشان را سرلوحه عمل خویش قرار داده و غرق در نظام بین‌الملل نشوند.

۴. برای عدم نفوذ دشمن مسئولین باید به اوضاع معیشتی و اقتصادی و به‌ویژه بیکاری جوانان رسیدگی کرده، با فساد مبارزه کنند و در دانشگاه‌ها به دانشجویان اجازه دهند تا به فعالیت‌های علمی و تحقیقی خویش بپردازند و با برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی اجازه نقد به آنان داده شود. تا از رفتن دانشجویان آینده‌ساز و نخبه به کشورهای دیگر جلوگیری شود.

۵. مسئولین از نزدیک مشکلات مردم را لمس نمایند و به آنان رسیدگی نمایند تا بدین طریق اعتماد مردم را جلب نمایند. زیرا در این صورت در هنگام روبه‌رو شدن با خطر مردم صحنه را ترک نخواهند کرد.

منابع و مأخذ

۱. آبراهامیان، پرواند، ۱۳۷۷، *ایران بین دو انقلاب*، مترجمان: احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
۲. اختریان، محمد، ۱۳۸۱، *نقش امیرعباس هویدا در تحولات سیاسی اجتماعی ایران*، تهران، علمی.
۳. ازغندی، علیرضا، ۱۳۹۴، *روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰)*، تهران، قومس.
۴. الفت پور، علی، ۱۳۹۵، *بازگشت از نیمه راه*، تهران، بی‌نا.
۵. الهی، همایون، ۱۳۸۳، *شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم*، تهران، قومس.
۶. _____، ۱۳۶۵، *اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۷. بازرگان، مهدی، ۱۳۶۳، *انقلاب ایران در دو حرکت*، بی‌جا، نهضت آزادی ایران.
۸. بیل، جیمز، ۱۳۷۱، *شیر و عقاب*، مترجم: فروزنده برلیان، تهران، فاخته.
۹. بدافی، حمیدرضا، ۱۳۸۷، *بررسی روابط ایران و آمریکا (۱۳۴۷ - ۱۳۳۲)*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۰. تهوری، مسلم، ۱۳۸۶، *زندگی سیاسی آیت‌الله کاشانی*، تهیه مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، تهران، بوستان.
۱۱. تهامی، سید مجتبی، گل محمد بهمنی و فتح‌الله رسولی، ۱۳۸۰، *سیاست آمریکا در قبال ایران طی*

- دوره جنگ تحمیلی، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
۱۲. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، *انقلاب اسلامی ایران*، قم، دفتر نشر معارف.
۱۳. چمن خواه، لیلا، ۱۳۹۱، *بهائیت و رژیم پهلوی*، تهران، نگاه معاصر.
۱۴. حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۷، *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*، تهران، سمت.
۱۵. حسینیان، روح الله، ۱۳۸۷، *انقلاب اسلامی (زمینه‌ها، چگونگی و چرایی)*، تهران، مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، ج ۳.
۱۶. _____، ۱۳۸۷، *انقلاب اسلامی (سه سال مرجعیت شیعه در ایران)*، تهران، مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، ج ۲.
۱۷. خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۸۶، *اسناد لانه جاسوسی آمریکا*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۱۹. رنجبران، داود، ۱۳۸۸، *جنگ نرم*، تهران، ساحل اندیشه تهران (سات).
۲۰. رستمی، فرهاد، ۱۳۷۸، *پهلوی‌ها (خاندان پهلوی به روایت اسناد)*، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ج ۱.
۲۱. سراج، رضا، ۱۳۸۶، *راهبرد قدرت نرم آمریکا بر ضد جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، ش ۱۶.
۲۲. شوکراس، ویلیام، ۱۳۷۱، *آخرین سفر شاه*، مترجم: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز.
۲۳. شولزینگر، رابرت د، ۱۳۷۹، *دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم (۱۹۹۷ - ۱۸۹۸)*، مترجم: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۴. صادقی، مریم، ۱۳۹۲، *واکاوی در لجنه (نقش بهائیان در پیدایش و استمرار رژیم پهلوی)*، تهران، کیهان.
۲۵. صائبی، محمد، ۱۳۸۷، *ما آمریکا را زیر پا می‌گذاریم (تحلیلی بر روند تحولات نیم قرن اخیر ایران)*، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۲۶. طباطبایی فر، سیدمحمد، ۱۳۹۴، *حوثیان یمن: پیشینه و رویکردهای کلامی و سیاسی*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۷. غضنفری، کامران، ۱۳۸۰، *آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، کیا.

۲۸. فوران، جان، ۱۳۷۸، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا.
۲۹. فردوست، حسین، ۱۳۷۱، *خاطرات ارتشبد فردوست یا ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، ج اول، اطلاعات، تهران، ص ۱۵۴ - ۱۴۸
۳۰. فتحعلی زاده، مجتبی، ۱۳۹۰، نقش ولایت فقیه در مواجهه با جنگ نرم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه علمی - تخصصی عملیات روانی*، ش ۳۰.
۳۱. قدسی، امیر، ۱۳۹۰، نقش رسانه ملی در ایجاد قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم، *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، ش ۲.
۳۲. قربان زاده سوار، قربانعلی، ناطقی، هاشم، ۱۳۹۱، جنگ نرم و جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات عملیات روانی*، ش ۳۱.
۳۳. قنبرلو، عبدالله، ۱۳۸۹، *اقتصاد سیاسی مداخله گرایی در سیاست خارجی آمریکا*، تهران، پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
۳۴. قره باغی، عباس، ۱۳۶۴، *اعترافات ژنرال*، تهران، نشر نی.
۳۵. موجانی، سیدعلی، ۱۳۸۴، *بررسی مناسبات ایران و آمریکا (۱۹۲۵ - ۱۸۵۱)*، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
۳۶. مرکز بررسی اسناد ساواک وزارت اطلاعات.
۳۷. منصوری، جواد، ۱۳۷۵، *سیرتکوینی انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۳۸. مدنی، سیدجلال الدین، ۱۳۸۷، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم، انتشارات اسلامی، ج ۱.
۳۹. مگداف، هاری و تام کمپ، ۱۳۸۲، *امپریالیسم: تاریخ، تئوری، جهان سوم*، مترجم: هوشنگ مقتدر، تهران، کویر.
۴۰. مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۶، *دانشجویان مسلمان پیرو خط امام*، تهران.
۴۱. میلانی، عباس، ۱۳۸۰، *معمای هویدا*، تهران، اختران.
۴۲. محمدی، منوچهر، ۱۳۹۰، *انقلاب اسلامی در بوته آزمون*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۴۳. _____، ۱۳۸۵، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴۴. _____، ۱۳۹۴، مدیریت بحران در جمهوری اسلامی ایران: بحران‌های سیاسی - اجتماعی، قم، دفتر نشر معارف.
۴۵. _____، ۱۳۹۲، دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی در سطوح ملی، منطقه‌ای، جهانی و تاریخی، قم، دفتر نشر معارف.
۴۶. نائینی، علی محمد، ۱۳۹۱، اصول و مبانی جنگ نرم، تهران، ساقی.
۴۷. هاشمی، سیدحمید، ۱۳۹۰، جنگ نرم، نبرد در دنیای معاصر، تهران، دانشگاه تمدن ساز.
۴۸. هرسیچ، حسین، رحیمی، رئوف، ۱۳۹۱، تحلیل تطبیقی تأثیر تحولات سیاسی ۲۰۱۱ منطقه بر میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و عربستان، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ش ۷.
۴۹. هریس، امی و توماس آنتونی هریس، ۱۳۸۸، ماهیت و عملکرد امپریالیسم آمریکا در ایران، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران، رسا.